



● اصول انتخاب قانون حاکم بر فراورده‌های تجاری بین‌المللی

مترجم:

فرهاد پیری

با همکاری مرکز داوری اتاق بازرگانی تهران

انتشارات جنگل

عنوان و نام پدیدآور : اصول انتخاب قانون حاکم بر قراردادهای تجاری بین‌المللی /
Hague Conference on Private International Law (HCCH)

مترجم: فرهاد پیری

مشخصات نشر : تهران: جنگل، جاودانه، ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری : ۱۷۶ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۶-۸۶۰-۲

وضعیت فهرست‌نویسی : فیفا

یادداشت : عنوان اصلی:

Principles on Choice of Law in International Commercial Contracts

موضوع : حقوق بین‌الملل خصوصی - - قراردادها

موضوع : Conflict of Laws - Contracts

موضوع : حقوق بین‌الملل خصوصی - - حقوق تجارت

موضوع : Conflict of Laws - Commercial Law

شناسه افزوده : پیری، فرهاد، ۱۳۶۶ - مترجم

شناسه افزوده : سازمان کنفرانس حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه

شناسه افزوده : Hague Conference on Private International Law

رده‌بندی کنگره : K۷۳۵۰/۱۵۴ ۱۳۹۰

رده‌بندی دیویی : ۳۰۰ ۲

شماره کتابشناسی ملی : ۵۱۸۱۳۹۱



عنوان کتاب: اصول انتخاب قانون حاکم بر قراردادهای تجاری بین‌المللی

مترجم: فرهاد پیری

با همکاری: مرکز داورى اتاق بازرگانی تهران

ناشر: انتشارات جنگل، جاودانه

ناظر فنی: امین لشکری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۷

قطع و تیراژ: وزیری، ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۶-۸۶۰-۲

email: info@junglepub.org

<http://www.jangal.com>

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۹۰۳۸۲-۶۶۴۹۰۴۶۵

۰۳۱-۳۳۲۰۵۰۰۵-۳۳۲۰۳۸۰۰-۹

«حق چاپ برای مترجم محفوظ است»

فهرست مطالب

۱	دیباجه (به قلم مترجم)
۲۹	مقدمه (به قلم مترجم)
۳۹	دیباجه
۴۳	مراحل تکوین «اصول انتخاب» قانون حاکم بر قراردادهای تجاری بین‌المللی»
۴۹	فهرست متخصصان شرکت کنندگان
۵۲	اصول انتخاب قانون حاکم بر قراردادهای تجاری بین‌المللی
۵۲	مقدمه
۵۴	ماده ۱ قلمرو اعمال اصول
۵۴	ماده ۲ حاکمیت اراده
۵۶	ماده ۳ قواعد حقوقی
۵۶	ماده ۴ انتخاب صریح و ضمنی
۵۶	ماده ۵ اعتبار شکلی انتخاب قانون
۵۸	ماده ۶ توافق انتخاب قانون و تقابل فرم‌ها
۵۸	ماده ۷ تجزیه پذیری
۵۸	ماده ۸ منع اعمال احاله
۶۰	ماده ۹ قلمرو اعمال قانون منتخب
۶۰	ماده ۱۰ انتقال طلب
۶۲	ماده ۱۱ قواعد امره مخصوص و نظم عمومی
۶۲	ماده ۱۲ مرکز فعالیت
۶۵	تفسیر حقوقی «اصول انتخاب قانون حاکم بر قراردادهای تجاری بین‌المللی»
۶۵	فهرست اختصاری منابع
۶۷	پیشگفتار
۶۸	توافقات انتخاب قانون
۶۸	ماهیت اصول
۶۹	هدف و قلمرو اعمال اصول

۷۱	محتوای اصول
۷۲	مخاطبان پیش‌بینی شده برای اصول
۷۷	ماده ۱ قلمرو اعمال اصول
۷۷	پیش درآمد
۷۸	مبانی منطقی
۷۸	مختص قراردادهای تجاری
۸۰	استثنای قراردادهای مصرف‌کننده و استخدامی
۸۱	بین‌المللی بودن
۸۲	تشخیص بین‌المللی بودن
۸۴	عناصر غیر مرتبط
۸۹	ماده ۲ حاکمیت اراده
۸۹	پیش درآمد
۸۹	انواع حاکمیت
۹۰	حاکمیت اراده
۹۱	انتخاب جریب متعارف
۹۳	تغییر قانون منتخب و روش تغییر
۹۵	عدم لزوم عامل ارتباط
۹۶	ماده ۳ قواعد حقوقی
۹۶	پیش درآمد
۹۷	به طور گسترده‌ای در سطح بین‌المللی، فراوانی طیف‌های پذیرفته شده باشد
۹۸	نوعی از مجموعه قواعد بیطرف و متعادل
۹۹	عرف‌های تجاری
۹۹	مگر اینکه قانون مقر دادگاه، حاوی حکم دیگری باشد
۱۰۰	رفع خلاءهای موجود
۱۰۱	ماده ۴ انتخاب صریح و ضمنی
۱۰۱	پیش‌درآمد
۱۰۱	انتخاب قانون به طور کلی
۱۰۱	انتخاب صریح قانون
۱۰۳	انتخاب ضمنی قانون
۱۰۳	انتخاب ضمنی قانون، به وضوح از مفاد قرارداد قابل برداشت باشد
۱۰۴	شرط انتخاب دادگاه صالح و انتخاب ضمنی قانون
۱۰۵	شرط داوری و انتخاب ضمنی قانون
۱۰۶	اوضاع و احوال نشان‌دهنده انتخاب ضمنی قانون

۱۰۶	سطح شدت معیار احراز وجود انتخاب ضمنی قانون
۱۰۷	تغییر قانون منتخب
۱۰۷	فقنان انتخاب قانون
۱۰۸	ماده ۵ اعتبار شکلی انتخاب قانون
۱۰۸	پیش درآمد
۱۰۸	فقنان الزام شکلی در انتخاب قانون
۱۰۹	قاعده ماهوی حقوق بین الملل خصوصی
۱۱۰	ارتباط با سایر مقررات مربوط به اعتبار شکلی
۱۱۱	وفاق به نحو دیگر
۱۱۲	ماده ۶ توافق انتخاب قانون و تقابل فرم‌ها
۱۱۲	پیش درآمد
۱۱۳	اعمال فنی که در ظاهر بر آن توافق شده است
۱۱۴	انتخاب قانون در صورت بروز جدال شکل
۱۱۵	انتخاب قانون در صورتی متباین شکل متعارض (تقابل فرم‌ها)
۱۱۶	الف) موقعیتی که بین تخصصی و واقعی است: قسمت اول ماده (ب) (۸) ۶
۱۱۷	ب) موقعیتی که مبین ارضایی است: قسمت دوم ماده (ب) (۸) ۶
۱۱۹	موضوعات کلی
۱۲۰	اصول لاهه و عهدنامه ۱۹۸۵ بیع کالا
۱۲۲	بند استثنای محدود
۱۲۵	ماده ۷ تجزیه پذیری
۱۲۵	پیش درآمد
۱۲۵	قانون منتخب طرفین، مستقل از قراردادی است که بر آن اساس منع شده
۱۲۶	قلمرو قاعده
۱۲۷	تجزیه پذیری / تفکیک پذیری به عنوان قاعده‌ای جهان شمول
۱۲۷	مسموع نبودن ایراد به انتخاب قانون، «تنها» به دلیل بی اعتباری قرارداد پای
۱۲۸	عیوبی که هر دو توافق انتخاب قانون و قرارداد پایه را تحت تاثیر قرار می دهد
۱۳۰	ماده ۸ منع اعمال احاله
۱۳۰	پیش درآمد
۱۳۱	منع اعمال احاله
۱۳۳	گنجاندن صریح قواعد حقوق بین الملل خصوصی
۱۳۴	ماده ۹ قلمرو اعمال قانون منتخب
۱۳۴	پیش درآمد
۱۳۵	موضوعات خاص

- ۱۳۸ اعتبار شکلی
- ۱۴۰ ماده ۱۰ انتقال طلب
- ۱۴۰ پیش درآمد
- ۱۴۳ شناسایی و اعمال اصول لاهه برای حل مسائل ناشی از انتقال طلب
- ۱۴۵ سوابق اسناد بین‌المللی
- ۱۴۶ موضوعات مرتبط
- ۱۴۷ ماده ۱۱ قواعد آمره مخصوص و نظم عمومی
- ۱۴۷ پیش درآمد
- ۱۵۰ ارتباط ماده ۱۱ با اصل حاکمیت اراده
- ۱۵۱ ارتباط میان قواعد آمره مخصوص و نظم عمومی
- ۱۵۲ قواعد آمره مخصوص مقر دادگاه
- ۱۵۵ قواعد آمره به خصوص سایر قوانین
- ۱۵۷ نظم عمومی، قانون مقر دادگاه
- ۱۶۰ نظم عمومی، شوری که قانون آن در صورت فقدان انتخاب قانون حاکم، قابل اعمال خواهد بود
- ۱۶۲ دیوان داور در نظم عمومی و قواعد آمره مخصوص
- ۱۶۴ ماده ۱۲ مرکز فعالیت
- ۱۶۴ پیش درآمد
- ۱۶۴ مبانی منطقی
- ۱۶۴ مفهوم مرکز فعالیت
- ۱۶۵ زمان تعیین «مرکز فعالیت» شرکت
- ۱۶۷

● دیباچه

(به قلم مترجم)

بیشتر مترجمین ایرانی، هیچ دیباچه‌ای بر کتب ترجمه شده خود، ننوشته‌اند. با این حال، نگارش چنین دیباچه‌ای می‌توانست دو حسن داشته باشد: ابتدا خواننده را با نوع نگاه مترجم و روش ترجمه آشنا کند و سپس، به عنوان راهنمای ترجمه، مورد استفاده دیگران قرار گیرد. چه بسا اگر هر ترجمی دیباچه‌ای بر کتاب خود نوشته بود، اکنون جمع تمامی این نوشته‌ها، دانشنامه بسیار مفیدی بود که می‌توانست چراغ راه دیگران باشد.

امروزه با وجود نقاط مثبت، تراوان در کتاب‌های آموزش علم (و هنر) ترجمه، این کتاب‌ها کاستی‌های متعددی نیز دارند: به بیره می‌توان چند ایراد اساسی را در این باره برشمرد: (۱) این کتاب‌ها غالباً با نگاه به ترجمه متون ادبی نگاشته شده‌اند و نه متون علمی. ناگفته پیداست که میان این دو حوزه، تفاوت‌های بسیاری وجود دارد؛ برای مثال در حالیکه رعایت «سبک»^۱ جایگاه مهمی در ترجمه متون ادبی دارد؛ این در متون علمی (و به ویژه ترجمه متون حقوقی)، به کارگیری «نثر معیار» (یعنی نثری فصیح و ساده) ضروری خواهد بود. همچنین ساختار جملات در متون علمی و ادبی نیز بسیار متفاوت است.

(۲) کتاب‌های نگاشته شده تنها در حوزه قواعد دستور ترجمه (و نه هم به طور ناقص) بوده‌اند؛ این در حالی است که امروزه در رشته مترجمی، مبحث «گفتار» (یعنی چگونگی تولید و سامان گرفتن یک متن از جانب تولیدکننده و فرایند درک آن از سوی مخاطب) از جایگاه مهمی برخوردار است.^۲ به هر روی، ما با فقدان نظریه‌های ترجمه و نیز روبه‌رو

۱- سبک شامل خصوصیات همچون لحن، طنز، لطیفه، زبان (ادبی یا عامیانه)، انتخاب واژگان، بازی با کلمات، فشرده یا بسیط بودن، کوتاه یا بلند بودن جمله‌ها و نقطه‌گذاری در یک اثر می‌باشد. ببینید: طاهره صفارزاده، اصول و مبانی ترجمه: تجزیه و تحلیلی از فن ترجمه ضمن نقد عملی آثار مترجمان (نشر پارس کتاب، چاپ دهم، ۱۳۸۹) ص ۲۶.

۲- برای مطالعه بیشتر در این باره، ببینید: علی صلح‌جو، گفتار و ترجمه (نشر مرکز، چاپ هفتم، ۱۳۹۴).
Jeremy Munday & Meifang Zhang (eds), *Discourse Analysis in Translation Studies* (John Benjamins Publishing Company 2017); Jeremy Munday, *Introducing Translation Studies: Theories and Applications* (4th ed, Routledge 2016) chapter 6.

هستیم و در این میان، کم‌کاری زبان‌شناسان در کشف و عرضه اصول و مبانی ترجمه، مشهود است.

(۳) ایراد آخر اما بسیار مهم این است که مبحث «معادل‌یابی»، به طور موشکافانه بررسی نشده است. به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، زبان فارسی برای برآوردن نیازهای روزمره مردم با مشکلی مواجه نیست ولی این زبان برای واژه‌سازی علمی، زایایی لازم را ندارد و نمی‌تواند یک زبان علمی باشد و لازم است برای آن راهکاری اندیشیده شود.^۱ همچنین بسیاری از کلمات زبان فارسی بیمار و ناتوان شده است و نمی‌تواند مقصود گوینده را به طور کامل برساند.^۲ مقایسه زبان فارسی با زبان انگلیسی نشان می‌دهد که تفکر و فرهنگ غالب در زبان انگلیسی،^۳ اثرات در حیطه مسائل علمی، فنی و تخصصی است و به قول خود انگلیسی‌زبان‌ها، زبانی است علم - معقول؛^۴ ولی زبان فارسی با همه غنایی که دارد، زبانی است بسیار ادبی و عرفانی.^۵ این تفاوت برآیند واژه‌سازی برای معادل‌یابی در متن‌های علمی را دشوار می‌کند. امروزه بحث ترجمه در علم حقوق، موضوع مطالعات مجزایی قرار گرفته است،^۶ لیکن در کشور ما تاکنون این موضوع توجه نبوده است. از این رو این دیباچه، هم تلاشی است در جهت پاسخ به کاستی‌های یاد شده و هم نخستین گامی است در جهت بررسی اصول و مبانی ترجمه در علم حقوق. هرچند این بحث باید موضوع مطالعات مفصلی نیز قرار بگیرد و این دیباچه، تنها می‌تواند در مقام معرفی موضوع به جامعه حقوقی ایران در نظر گرفته شود.

۱- محمد رضا باطنی، «فارسی زبانی عقیم؟»، نشریه آدینه، فروردین ۱۳۹۰، شماره ۳۳، ص ۶۹ لازم به ذکر است که دیدگاه‌های موافق و مخالف در این باره بسیار است؛ برای مطالعه بیشتر ببینید: علی کافی (گردآورنده)، مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم (مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲).

۲- پرویز ناتل خانلری، «بیماری الفاظ»، منتشره در: علی جانزاده (گردآورنده)، فصل ترجمه از دیدگاه صاحب‌نظران و استادان ترجمه (انتشارات جانزاده، چاپ سوم، ۱۳۸۹) صص ۱۳۵-۱۳۱.

3- Reasonable and Scientific Language.

۴- محمود نور محمدی، فنون عملی ترجمه گام به گام: گام نخست (نشر طلعه پوش، ۱۳۹۳) ص ۴؛ همچنین ببینید: داریوش آشوری، زبان باز: پژوهشی درباره زبان و مدرنیت (نشر مرکز، چاپ پنجم، ۱۳۹۴).

5- Ahmad Abdelmoneim Youssef Masry Zidan, A Linguistic Analysis of Some Problems of Arabic-English Translation of Legal Texts, with Special Reference to Contracts (Cambridge Scholars Publishing 2015); Hanem El-Farahaty, Arabic-English-Arabic Legal Translation (Routledge 2014); Le Cheng, King Kui Sin, Anne Wagner, The Ashgate Handbook of Legal Translation (Ashgate Pub Co 2014).

(۱) اهمیت ترجمه در علم حقوق

برخلاف حوزه ادبیات که خواندن متون ترجمه شده، برای لذت بردن است؛ در علم حقوق، از متن ترجمه شده «در عمل» استفاده می‌شود به نحوی که منشأ تعیین حقوق و تکالیف اشخاص جامعه خواهد بود. بنابراین متن حقوقی باید دارای فصاحت (در سطح جمله) و بلاغت (در سطح متن و فراتر از آن) باشد و در زمان نگارش آن باید در هر لحظه، برداشت مخاطب از متن را در نظر داشت و راه را بر بروز هرگونه ابهام بست. همچنین باید توجه داشت که متن یک قانون، ممکن است برای بیش از یک قرن لازم‌الاجرا بماند؛^۱ بنابراین متن آن باید بتواند در طول چندین دهه طولانی نیز همچنان روشن و راهگشا باشد. در مجموع، اهمیت ترجمه در سه حوزه بارز است: قلمرو قانونگذاری، روابط قانونی اشخاص با یکدیگر و توسعه علم حقوق.

(۱-۱) قلمرو قانونگذاری:

مخاطب قوانین، عموم اشخاص جامعه (در هر سطحی از معلومات) هستند. بنابراین متن قانون باید در عین دقیق و صحیح بودن، چنان ساده و قابل فهم باشد که هر فردی با خواندن آن بتواند متن قانون را به راحتی متوجه شود و با برداشتن، حقوق و تکالیف حاکم را بشناسد. در بسیاری از موارد، قانونگذار معاهدات بین‌المللی را عیناً تصویب می‌کند و یا اینکه با استفاده از قوانین نمونه (model laws)، اقدام به تهیه و سپس تصویب یک قانون ملی می‌نماید که در هر دو مورد، ترجمه نقش بسیار حیاتی دارد به نحوی که اشباه یا بهم بودن چنین قوانینی، می‌تواند کارایی مقرر قانونی را از بین ببرد. در این باره، دو مثال زیر قابل توجه است:

مثال اول: در «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون لزوم تصدیق رسمی اسناد دولتی بیگانه (۱۹۶۱)» که در سال ۱۳۹۱ به تصویب مجلس شورای قانونگذار ابتدا معادل «اسناد دولتی» را برای عبارت public documents برگزید. این در حالی است که عبارت مزبور دارای معنای بسیار گسترده‌ای در عهدنامه می‌باشد و باید شامل تمامی اسناد

۱- برای مثال ببینید: «قانون اجازه مبادله عهدنامه مودت و قرارداد اقامت و قرارداد تجارتی و گمرکی و بحریمایی منعقد بین دولتین ایران و آلمان» (مصوب ۱۳۰۸) که قریب به نود سال از زمان تصویب آن می‌گذرد و همچنان مورد استناد محاکم است.

به جز اسناد عادی بشود.^۱ از این رو با عنایت به مواد ۹۷۲ و ۱۲۸۷ قانون مدنی، معادل درست این عبارت، «اسناد رسمی» (در برابر «اسناد عادی») است و چنین اشتباهی در ترجمه، منجر به تصویب قانون دیگری جهت اصلاح آن شد.^۲ این مثال به خوبی نشان می‌دهد که چگونه یک اشتباه در ترجمه می‌تواند حتی منجر به ضرورت اصلاح قانون گردد.^۳

مثال دوم: در یکی از ترجمه‌های منتشر شده از یک قانون نمونه، چنین آمده است: «هر کجا مقررهای از این قانون، غیر از مواد ... اشاره می‌کند به ادعا [دعوا]، آن بر ادعای متقابل [دعوی متقابل] نیز اعمال می‌گردد، و هر کجا اشاره می‌کند به دفاع، آن بر دفاع بر چنین ادعای متقابل نیز اعمال می‌گردد». پیداست که اگر قانونگذار همین متن را در قانون بگذارد، بماند چنین قانونی مبهم و فهم آن دشوار خواهد بود. ترجمه شفاف و روان این عبارت، چنین است: «کدام دعوا یا دفاع مندرج در این قانون (به غیر از مواد ...)، به ترتیب شامل دعوی متقابل و دفاع در قبال آن نیز می‌باشد».^۴

۲-۱) روابط قانونی اشخاص:

در بسیاری از موارد، تعهدات طرفین در اسنادی منعکس می‌شود که به زبان خارجی تنظیم شده است. استناد به چنین اسنادی سرریشگی قضایی یا داور، باید همراه با ارائه

1- Hague Conference on Private International Law (HCCH), A Handbook on the Practical Operation of the Apostille Convention (Apostille Handbook 2013) 29.

۲- «قانون اصلاح قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون ضرورت تصدیق رسمی اسناد دولتی بیگانه» (مصوب ۱۳۹۴) مقرر داشت: «از نظر دولت جمهوری اسلامی ایران، منظور از عبارت «سند دولتی» (public document) در این کنوانسیون، سند رسمی است».

۳- همین اشتباه را می‌توان در «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داور خارجی» (۱۹۵۸) (معروف به «عهدنامه ۱۹۵۸ نیویورک») نیز مشاهده نمود که در سال ۱۳۸۰ به تصویب مجلس رسید. در این عهدنامه، کلمه arbitral awards به «احکام داور» ترجمه شده است، در حالیکه ترجمه صحیح آن «آرای داور» است. لیکن این ترجمه اشتباه، تأثیری در توسعه یا کاهش قلمرو اعمال عهدنامه ندارد (و در واقع، اشتباهی است بی‌خطر!).

۴- این ترجمه متأثر از منطوق ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی (مصوب ۱۳۷۹) است که بیان می‌دارد: «در امور زیر باید اختیارات وکیل در وکالت‌نامه تصریح شود: ... (۱۲) وکالت در دعوی متقابل و دفاع در قبال آن».

ترجمه آن‌ها باشد.^۱ ترجمه اشتباه یا مبهم چنین متونی، نه تنها فرآیند رسیدگی را با اختلال مواجه می‌کند بلکه ممکن است منجر به تضییع حقوق اشخاص نیز بشود. از این روست که مترجمین رسمی به دلیل عدم آشنایی عمیق با متن‌های حقوقی، در بسیاری از موارد از معادل‌های اشتباهی استفاده می‌کنند و بدون ارائه ترجمه‌ای روان، فهم چنین ترجمه‌ثقیلی را به دوش مقام رسیدگی‌کننده می‌گذارند. این در حالی است که اگر مترجم متن‌های حقوقی، خودش دانش آموخته علم حقوق باشد می‌تواند پس از کسب مهارت‌های مترجمی، به راحتی ترجمه شیوا و حیجی را از متن حقوقی ارائه دهد. به همین دلیل، بهتر است که شاخه مترجمی رسمی، چون حقوقی، به عنوان گرایشی جدید در مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق تأسیس شود. حتی فراتر از آن می‌توان از ایجاد رشته مترجمی به عنوان یکی از تخصص‌های کارشناسان رسمی دفاع نمود. با مقام رسیدگی‌کننده به دعوا بتواند در موارد لازم از کمک چنین اشخاصی نیز بهره‌مند شود.

۳-۱) توسعه علم حقوق:

هرچند ترجمه از تألیف سخت‌تر است،^۲ اما بدیهی است که ترجمه هیچ‌گاه نمی‌تواند جای تألیف را بگیرد و لازم است حجم آثار سالیانه در مقایسه با آثار ترجمه شده، بسیار بیشتر باشد که در این صورت می‌تواند نشان از قوت نابومی داشته باشد؛ با وجود این، به نظر می‌رسد که کشور ما حداقل در حوزه حقوق، جلالت بین‌الملل، تولیدکننده علم نیست و تنها مصرف‌کننده است. نگاهی به کتاب‌ها و مقاله‌های نوشته شده در این شاخه، به خوبی مبین این وضعیت تأسفبار است: نوشته‌های بسیاری که تنها به موضوعات تئوری محض می‌پردازد^۳ و بر اساس منابع علمی قبلی نگاشته

۱- ماده ۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی (مصوب ۱۳۷۹): «در صورتی که اسناد به زبان فارسی نباشد، علاوه بر رونوشت یا تصویر مصدق، ترجمه گواهی شده آن نیز باید پیوست دادخواست شود. صحت ترجمه و مطابقت رونوشت با اصل را مترجمین رسمی یا مأمورین کنسولی حسب مورد گواهی خواهند نمود».

۲- برای مثال تاکنون نوشته‌های بی‌شماری در مورد عهدنامه بیع بین‌المللی کالا به چاپ رسیده است اما دریغ از یک تحقیق جامع در مورد تحلیل تعارض‌های احتمالی این عهدنامه با حقوق ایران و موانع الحاق به آن.

می‌شود^۱ و یا اینکه متن تألیفی، کاملاً ترجمه‌ای از متن‌های خارجی است، بدون هیچ اشاره‌ای به ترجمه بودن آن.^۲

به هر صورت، وجود ترجمه در دو مورد ضروری است: (یک) برای ورود مفاهیم جدید به ادبیات حقوقی کشور و توسعه آن، وجود ترجمه لازم است. به دیگر سخن، ترجمه راه را برای توسعه مفاهیم حقوقی باز می‌کند تا حقوق‌دانان در آینده ضمن تألیف نوشته‌های بیشتر، به ایجاد تضاد آراء و شکوفایی علم حقوق کمک کنند. از این رو باید زحمات اشخاصی را ارج نهاد که تا به امروز اقدام به ترجمه (و حتی ترجمه مکرر) اسنادی همچون «اصول آیین دادرسی دادرسی»^۳ و «اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی»^۴ نموده‌اند؛ چنین ترجمه‌هایی با توسعه ادبیات حقوقی کشور، راه را برای تألیف کتاب باز می‌کند. (دو) فارغ از وجود یا فقدان مطالب تألیفی، ترجمه کتابچه‌های راهنما در مورد نحوه اعمال معاهدات و قوانین نمونه می‌تواند راهگشا باشد. حاکم دیوان‌های داوری در اعمال آن‌ها باشد تا اجرا و تفسیر یکنواخت این اسناد در کلیه کشورهای هموار شود. بدیهی است که تألیف هیچگاه نمی‌تواند به طور کامل جایگزین چنین کتابچه‌های راهنما شود.^۵

همچنین لازم به ذکر است که حوزه انتخاب یک اثر برای ترجمه، اهمیت بارزی دارد. حقوق‌دان باید به دقت، حوزه‌های مورد نیاز را شناسایی کند و در همان حوزه دست به ترجمه بزند. چنین انتخابی نباید تنها مربوط به جنبه‌های تئوری علم حقوق باشد، بلکه باید به جنبه‌های عملی یک موضوع حقوقی نیز توجه بشود. مثال بسیاری از معاهدات چندجانبه

۱- برای مثال، به تازگی کتاب حجیمی در رابطه با حقوق داوری منتشر شده است که غالب منابع خارجی مورد استناد در آن، مربوط به بیش از سی سال گذشته است. بدیهی است که استناد به منابع قدیمی، نمی‌توان مباحث جدید و به روز در آن رشته را مطرح کرد.

۲- برای نمونه اخیراً در یک کتاب تألیفی در خصوص حقوق بین‌الملل خصوصی، هشت صفحه در مورد «اصول انتخاب قانون حاکم بر قراردادهای تجاری بین‌المللی» (اصول لاهه) به چاپ رسیده است که دقیقاً ترجمه‌ای است از مقدمه کتابچه تفسیری این اصول؛ اما نویسنده هیچ اشاره‌ای به این موضوع نکرده است و تمام نوشته را تألیف خود معرفی کرده است.

3- ALI/ UNIDROIT Principles of Transnational Civil Procedure (2004).

4- UNIDROIT Principles for International Commercial Contracts (2016).

۵- برای مثال می‌توان به این کتابچه تفسیری اشاره کرد که تاکنون به نوزده زبان ترجمه شده است:

میرحسین عابدیان و رضا افتخار (مترجم)، راهنمای شورای بین‌المللی داوری تجاری برای تفسیر پیمان ۱۹۵۸ نیویورک: کتابچه قضات (انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۵).

بین‌المللی وجود دارد که جزو قوانین داخلی ایران است، لیکن هیچ نوشته جامعی برای کمک به مقام رسیدگی‌کننده به دعاوی مربوط به این معاهدات، وجود ندارد.^۱ علاوه بر آن، معرفی موضوعات جدید حقوقی به جامعه ایران نیز لازم و بلکه حیاتی است و بهتر است که این مهم، در ابتدا از طریق ترجمه صورت گیرد تا یک نهاد جدید به درستی و به همان شکلی که در حقوق خارج وجود دارد، به جامعه حقوقی ایران معرفی شود.^۲

۲) آفت ترجمه در علم حقوق

در ترجمه علمی، صورت گرفته از متون حقوقی، نقص‌هایی وجود دارد که تقریباً میان تمامی ترجمه‌های منتشر شده مترجمان است. این نقص‌ها، آفت‌هایی است که باید برای رفع آن چاره‌اندیشی کرد.

۱-۲) عدم آمادگی مترجم:

نظریه‌پردازان ترجمه، ویژگی‌های خاصی را برای مترجم برشمرده‌اند. برای مثال گفته‌اند که مترجم باید زبان‌شناس، شاعر و منقذ باشد و یا اینکه مترجم باید مثل هنرپیشه، به کلمات حیات و حرکت بخشد و حتماً باید خودش نیز نه‌سنده باشد؛ دیگران نیز لازم دانسته‌اند که مترجم باید پژوهشگر، زبان‌دان، علاقه‌مند به ادبیات، دارای توان کاری، با دقت، باهوش، باذوق و با حوصله باشد.^۳ ناگفته پیداست که داشتن تمام این ویژگی‌ها، در ترجمه متون علمی (برخلاف متون ادبی) لازم نیست، لیکن مترجم باید حداقل خود را نه‌سنده باشد و قدرت کلمات را برای چینش صحیح و گویای آن‌ها بشناسد. به همین دلیل گفته شده است که در

۱- در این خصوص می‌توان به «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون قرارداد حمل و نقل بین‌المللی کالا از طریق جاده» (۱۹۵۶) و پروتکل اصلاحی آن (۱۹۷۸) اشاره کرد که در سال ۱۳۷۶ به تصویب مجلس رسید و با وجود دعاوی متعددی درباره آن، دست مقام رسیدگی‌کننده به دعا از منابع جامع به زبان فارسی، خالی است.

۲- برای مثال، علی‌رغم تأثیر شکرقر قراردادهای موسوم به «فرانشیز» (franchise) در ایجاد اشتغال و توسعه اقتصادی برخی از کشورها، تاکنون این قرارداد به نحو مبسوطی به جامعه تجاری ایران معرفی نشده است. ببینید:

International Institute for the Unification of Private Law (UNIDROIT), UNIDROIT Guide to International Master Franchise Arrangements (2nd ed, Rome 2007) 272-5.

۳- صفارزاده، اصول و مبانی ترجمه، ص ۲۲.

بسیاری از موارد، تحت‌اللفظی درآمدن و جمود یک ترجمه مربوط به کمبود مهارت نویسندگی و ذخایر زبانی و ادبی مترجم است، بنابراین بیشترین خدمتی که از برخی مترجمان برمی‌آید ترجمه نکردن است زیرا ترجمه ضعیف و نادرست سبب مرگ اثری در زبان پارسی می‌شود.^۱ مترجمان نباید به خود حق بدهند که در آغاز کار و در دوران کم‌تجربگی سراغ آثار مهم بروند و آن‌ها را به عنوان «کار دوران جوانی» خود مثله و قربانی کنند.^۲

متأسفانه در علم حقوق بسیار دیده می‌شود که دانشجویان دست به ترجمه اسناد مهمی می‌زنند و نه تنها ترجمه صورت گرفته را ضمیمه پایان‌نامه یا رساله خود می‌کنند، بلکه حتی آن را در محلات نیز منتشر می‌کنند. تشویق دانشجو توسط اساتید دانشگاهی و حتی تأیید سریع این ترجمه‌هایی برای انتشار، خود آفت مهلکی است.

۲-۲) عدم وجود توانمندی مترجم:

مترجم باید همواره در آن مرتبه از تفکر و تحلیل مطالب باشد و نباید نفهمیدن متن ترجمه شده را به حساب کمی معلومات خواننده بخشد. این نکته در متون حقوقی از اهمیت مضاعفی برخوردار است زیرا مخاطب قوانین، عموماً اشخاص حاکمه هستند. در مواردی دیده می‌شود که حتی آرایش کلمات طوری است که وقتی این اشخاص اصل مطلب را می‌فهمند، متوجه می‌شوند که این نکته بسیار عجیبی است؛ بنابراین نمونه است که ساختاری (جمله‌ای) از هر لحاظ با ساختار مبدأش می‌خواند اما همچنان خواندنی و فاهمه نیست؟ یعنی متن ترجمه، به تنهایی و به طور مستقل قابل فهم نیست اما وقتی آن را با متن اصلی مطابقت می‌دهیم، متوجه می‌شویم که چیزی کم ندارد و تنها در این بازخوانی است که آن‌ها را می‌فهمیم! چنین ترجمه‌هایی (که شاید بتوان آن‌ها را ترجمه محکمه‌پسند نامید) را که می‌توان با معیارهای تطبیقی از آن‌ها دفاع کرد) خواندنی و در نتیجه فهمیدنی نیستند. این‌ها در نهایت ترجمه‌هایی هستند که برای پی‌بردن به ساخت وازگانی و نحوی زبان مبدأ (زبان متن اصلی) می‌توان از آن‌ها استفاده کرد.^۳

برای مثال در ترجمه یکی از اسناد حقوقی بین‌المللی آمده است: «نرخ بهره، با نرخ وام کوتاه‌مدت بانک‌های متوسط به وام‌گیرندگان عمده که در محل پرداخت، حاکم بر پرداخت

۱- بهاء‌الدین خرمشاهی، ترجمه کاوی (نشر ناهید، چاپ دوم، ۱۳۹۱) صص ۷۶ و ۵۴۱.

۲- صفارزاده، اصول و مبانی ترجمه، ص ۲۳.

۳- صلح‌جو، گفت‌وگو، ترجمه، صص ۴۷-۴۶.

پول است، برابر است؛ و اگر چنین نرخي در محل مزبور وجود نداشته باشد، معادل است با نرخ مشابهي در کشور پرداخت پول. در صورت نبود چنین نرخي در هر دو محل، نرخ بهره عبارت است از نرخ مناسب تثبیت شده در قانون کشور پرداخت پول.^۱ فارغ از ایرادات موجود در انتخاب معادل‌ها (مانند «بانک‌های متوسط» و «وام‌گیرندگان عمده»)، بدیهی است بدون خواندن اصل نسخه انگلیسی این عبارت، نمی‌توان مفهوم آن را دریافت که در این صورت نیز، فهم خواننده از متن اصلی حاصل خواهد شد و نه متن ترجمه آن؛ به بیان دیگر، ترجمه در مطابقت با اصل درست است اما بی‌اصل، هیچ است.^۲

چنین مترجمانی به این نکته بدیهی بی‌توجه‌اند که حقوق، کاملاً علمی مقصدمدار (target oriented) است. باید از ترجمه پیامی (communicative) و پویا (dynamic) استفاده کرد؛ یعنی آنچه در ابرویت است، تنها یافتن مفهوم و پیام متن مورد ترجمه و سپس انتقال این پیام است و نه انتقال «صورت» متن؛ در این باره، مترجم باید ضمن رفع تمام ابهام‌های متن، به خواننده در فهم آن کمک کند. بنابراین، لازم است که مترجم، هرگونه تغییر لازم را در «صورت» پیام متن حقوقی بدهد تا خواننده بتواند به اصل «پیام» دست یابد (لزوم تغییر صورت).^۳

۲-۳) عدم توجه به تفاوت در خانواده زبان‌ها:

شاخه اصلی تمامی زبان‌های دنیا را «هند و اروپایی آغازین»^۴ می‌نامند که خود به شاخه‌های متعددی تقسیم شده است. از جمله شاخه‌های مهم آن، یکی زبان «هند و ایرانی» (متشکل از

1- "The rate of interest shall be the average bank short-term lending rate to prime borrowers prevailing for the currency of payment at the place for payment, or where no such rate exists at that place, then the same rate in the State of the currency of payment. In the absence of such a rate at either place the rate of interest shall be the appropriate rate fixed by the law of the State of the currency of payment".

۲- همان، ص ۵۳. ترجمه پیش‌رو، نمونه دیگری در این مورد است: «اگر طرفین از شروط استاندارد استفاده نکرده‌اند که مبتنی بر دو قانون متفاوت می‌باشد و تحت این هر دو قانون [۱] اصطلاح استاندارد یکسانی اعمال می‌شود، قانون تعیین شده در اصطلاحات مربوطه اعمال خواهد شد؛ اگر تحت این قوانین، اصطلاحات استاندارد متفاوتی وجود داشته باشد، یا اگر در یکی از این قوانین یا هر دوی آن‌ها، اصطلاحات استاندارد وجود نداشته باشد، قانون حاکم انتخاب نشده است». به راستی چه کسی می‌تواند با خواندن این بند، موضوع آن را بفهمد؟

۳- برای مطالعه مثال‌هایی در این باره، ببینید: صمد میرزاسوزنی، ترجمه متون ساده (انتشارات سمت،

چاپ نهم، ۱۳۹۶) صص ۱۲۲-۱۲۰.

دو زیرشاخه «هندی» و «ایرانی» است و دیگری زبان «ژرمنی» (متشکل از سه زیرشاخه ژرمنی «شمالی»، «غربی» و «شرقی»). زبان فارسی، زیرشاخه گروه «ایرانی» است و زبان انگلیسی زیرشاخه گروه «ژرمنی غربی».^۱

تفاوت خانواده این دو زبان، منشأ آثار مهمی است و باید توجه داشت که متن ترجمه، در اصل (زبان اول) برای مخاطبانی نوشته شده که الزاماً در زبان دوم، عیناً دارای همان خصوصیات نیستند. بنابراین برای اینکه نوشته‌ای به صورت متن درآید، تعدیلات زبانی-بلاغی در جریان ترجمه اجباری است، چرا که گفتمان‌ها در فرهنگ‌های متفاوت، بسته به درجه دوری و نزدیکی آن‌ها از هم، با یکدیگر تفاوت دارند. تحمیل ساختار گفتمانی یک زبان بر زبان دیگر به پیدایش متن منجر نخواهد شد و چیزی که متن نباشد، به طور کامل درک نخواهد شد. در همین رابطه باید توجه داشت که وقتی دو زبان روبروی هم قرار می‌گیرند، تعدیل شیوه‌های پیام‌رسانی امری اجتناب‌ناپذیر است و نمی‌توان ساختار زبان‌ها را بر یکدیگر تحمیل کرد. در غیر این صورت، چیزی که به‌توئیل دریافت‌کننده می‌شود قابل درک نیست و برای آنکه قابل درک بشود، نیاز به حک و اصلاح دارد. این موارد نشان می‌دهد که فرایند ترجمه باید با تعدیل همراه باشد زیرا پیام تنها در «چارچوب»ی مأنوس درک می‌شود نه در ساختارهای کاملاً غریبه.^۲ به زبان ساده، نمی‌توان بدون تعدیل متن، دست به ترجمه زد، لیکن میزان تعدیل تحت تأثیر میزان فاصله خانواده زبان‌ها از یکدیگر خواهد بود.

لزوم وجود تعدیل در ترجمه اقسام متن‌های حقوقی، شیوه خاصی دارد؛ زیرا عهدنامه‌های چندجانبه، قوانین نمونه و سایر اسناد بین‌المللی، اصولاً برای مخاطبین جهانی تنظیم می‌شود. به همین دلیل، نگارندگان تلاش می‌کنند که متن را بسط داده و شیوا بنویسند و از این طریق، فاصله موجود میان خانواده زبان‌ها را کم کنند. هرچند لازم به ذکر است که روش ترجمه عهدنامه‌ها، متفاوت از ترجمه سایر اسناد همچون قوانین داخلی است. برای ترجمه عهدنامه‌ها باید به این نکته توجه داشت که کلمات و اصطلاحات به‌کار رفته در متن آن‌ها، اصولاً دارای معنای مستقلی است و باید برای استفاده از معادل‌های بومی در ترجمه آن‌ها، کاملاً احتیاط کرد؛ باید توجه داشت که فلسفه وجودی هر عهدنامه‌ای، یکنواخت‌سازی مقررات

۱- برای مطالعه بیشتر ببینید: یوسف اراتسکی، زبان‌های ایرانی (ترجمه علی اشرف صادقی، نشر سخن، ۱۳۸۶)؛ رویدگر اشمیت، راهنمای زبان‌های ایرانی، دو جلد (ترجمه حسن رضایی باغ‌بیدی و دیگران، نشر ققنوس ۱۳۹۳).

۲- صلح‌جو، گفتمان و ترجمه، صص ۳۸-۳۷.

در حوزه بین‌المللی است یعنی اعمال یکسان مقررات در کشورهای عضو که بر اساس برداشت یکسان از متن آن باشد.^۱ برای مثال در بند سه ماده ۲ «عهدنامه ۱۹۵۸ نیویورک» از اصطلاحات incapable of being performed و inoperative استفاده شده است. ناگفته پیداست که نباید این اصطلاحات را بر اساس کلمات به کار رفته در قانون مدنی (مانند «عقد غیرنافذ») ترجمه کرد بلکه باید معادل مستقلى را برای آن‌ها برگزید. برخلاف عهدنامه‌ها، در مورد قوانین نمونه و قوانین ملی سایر کشورها، چنین دغدغه‌ای وجود ندارد و برای بومی‌سازی این دسته از قوانین، ضروری است تا حد ممکن، از اصطلاحات حقوق ملی استفاده شود.

۴-۲) برداشت اشتباه از لزوم وحدت «امانت»:

بسیار شنیده شده است که ترجمه باید امانت‌دار بود. لیکن تاکنون خود مفهوم «امانت» روشن نشده است و مشخص نیست که آیا باید در انتقال «صورت» متن امانت‌دار بود و یا «پیام» متن؟

ابتدا باید اشاره کرد که یکی از نشانه‌های طبیعی و واقع‌درست و دستورمند بودن ترجمه این است که بوی ترجمه ندهد. مراد از بوی ترجمه، غرایب و غیرطبیعی بودن نحو و نحوه جملات و در نهایت نثر و ساختار زبانی اثر ترجمه شده است. ساده‌ترین عامل پدید آمدن بوی ترجمه، غفلت از نحو زبان مقصد (زبان فارسی) و مقهور نحوه زبان مبدأ (زبان انگلیسی) شدن است که منجر به ترجمه کاما به کاما (یا ویرگول به ویرگول) می‌شود. یکی ترجمه‌ای که در آن، مترجم در نحو زبان اصلی تصرف نمی‌کند و به صورت ماشینی، ساختار و جمله‌های متن اصلی تبعیت می‌کند.^۲

همچنین به باور برخی از صاحب‌نظران، سختگیری‌های مربوط به رعایت دقیق و امانت در ترجمه موضوعی است که بیشتر در این سوی دنیا، به خصوص در ایران مطرح است و بخش قابل توجهی از ثقیل بودن زبان آثار ترجمه شده در ایران به همین نگرش برمی‌گردد. به طور کلی، حس رعایت امانت در مترجمان ایرانی بسیار قوی است و اصولاً تلقی ما از ترجمه خوب، ترجمه دقیق و امانت‌دار است هرچند نتوان آن را به آسانی خواند. این در حالی است که درک

۱- برای مطالعه بیشتر ببینید: فرهاد پیری، حقوق تجارت بین‌الملل در رویه قضایی ایران (نشر جاودانه،

۱۳۹۵) صص ۷-۳.

۲- خرمشاهی، ترجمه‌کاوی، صص ۱۴۵-۱۴۳.

نکته و پیام اصلی در ترجمه بسیار مهم است. به عبارت دیگر، آنچه بعضی از ترجمه‌ها را خراب می‌کند دقت زیادی است.^۱

از این رو، با توجه به جنبه‌های خاص علم حقوق مبنی بر لزوم انتقال صحیح و شفاف پیام، باید از «امانت‌داری» در انتقال «پیام» صحبت کرد و نه «صورت» آن. به همین دلیل همانگونه که گفته شد، در فرایند ترجمه می‌توان هرگونه تغییر لازم را اعمال کرد و برای مثال، اسم یا قید را به صفت برگرداند و یا جمله اسمی را به جمله فعلی تبدیل کرد و حتی فراتر از این موارد، چیزی را به متن اضافه کرد و یا از آن کاست. برای مثال در یکی از کتاب‌های منتشر شده، چنین آمده است: «سرمایه‌گذار [تبعه] یک طرف معاهده، از جانب شرکت مربوط به طرف دیگر عهدنامه، که [آن شرکت] شخصیتی حقوقی است که سرمایه‌گذار [کور] یا اداره کننده مستقیم یا غیرمستقیم آن می‌باشد، می‌تواند دعوایی را نزد داورى سابق این منش [عهدنامه]، مبنی بر اینکه دیگر عضو عهدنامه تعهداتش را نقض کرده طرح کند». در این متن ترجمه به خوبی پیام متن را دریافته و لازم دانسته است تا برای فهم صحیح آن، کلماتی را به متن اضافه کند لیکن مترجم با هدف ضرورت رعایت امانت، این موارد اضافه شده را داخل کروشه (قلاب) قرار داده است تا خواننده بداند که این موارد در متن اصلی وجود نداشته است. این نگاه از این جهت قابل انتقاد است که اتفاقاً تمامی این موارد اضافه شده، در «پیام» متن وجود دارد (و نه در «صورت» آن)، به همین دلیل اضافه کردن آن‌ها به متن، نه تنها برای انتقال پیام متن ضروری است بلکه در اصل، لازمه رعایت امانت در ترجمه است و به هیچ وجه نیازی به استفاده از دوشبه نیست. کاستن از متن نیز همینگونه است و می‌توان نمونه‌ای از آن را در پاراگراف ۱۰۷ این کتاب از طریق مقایسه ترجمه با متن اصلی آن مشاهده کرد.

۳) اصول و مبانی ترجمه

در یک تعریف کلی، ترجمه عبارت است از بازسازی نزدیک‌ترین معادل طبیعی پیام زبان مبدأ

۱- علی صالح‌جو، از گوشه و کنار ترجمه (نشر مرکز، چاپ دوم، ۱۳۹۵) صص ۱۱۰ و ۱۲۲.

۲- قید «نزدیک‌ترین» نشان می‌دهد که معادل به معنی مطلق وجود ندارد. بنابراین ترجمه کامل، ممکن نیست و مفهومیها در فرایند ترجمه تا حدی تغییر می‌کند. این موضوع در ذات هرگونه انتقال است؛ ببینید: همان، صص ۱۰۲ و ۱۰۸.

در زبان مقصد، ابتدا از جهت مفهوم و سپس از نظر سبک.^۱ همچنین، به باور بسیاری از اندیشمندان علم ترجمه، مترجم خوب کسی است که به زبان مبدأ (زبانی که از آن ترجمه می‌شود) و زبان مقصد (زبانی که به آن ترجمه می‌شود) و موضوع متن مورد ترجمه احاطه داشته باشد.^۲ در کنار این موارد، باید از آشنایی با صناعت ترجمه نیز یاد کرد. بنابراین بدیهی است که صرف آشنایی با زبان انگلیسی (و حتی تسلط کامل بر آن)، برای انجام ترجمه کافی نیست و ممکن است علی‌رغم آنکه هر دو زبان انگلیسی و فارسی نیز زبان مادری یک فرد باشد، باز هم نتواند ترجمه قابل قبولی را ارائه دهد.

همه چهار ویژگی یاد شده را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: آشنایی با نحوه ترجمه و آشنایی با متن مورد ترجمه.

۱-۳) آشنایی با نحوه ترجمه. همانگونه که گفته شد، لازم است برای انجام ترجمه متن‌های حقوقی، مترجم ضمن آشنایی با زبان مبدأ (انگلیسی) و زبان مقصد (فارسی) نحوه پل زدن میان این دو زبان را نیز بداند. این موارد در قالب نکات ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد. تا چگونگی کارکرد این سه مهارت در کنار یکدیگر، روشن شود.

نکته اول: حرف تعریف a/an در بسیاری از موارد به علت اشتباه ساختاری بین دو زبان فارسی و انگلیسی، به فارسی ترجمه نمی‌شود^۳ یعنی نیازی به درج کلمه «یک» و یا «ی» نکرده نیست.^۴ برای مثال عبارت a contract is concluded by the acceptance of an

1- Eugene Albert Nida & Charles R. Taber, **The Theory and Practice of Translation** (BRILL 1974) 12: "Translating consists in reproducing in the receptor language the closest natural equivalent of the source-language message, first in terms of meaning and secondly in terms of style".

۲- علامالدین بازارگادی، فن ترجمه انگلیسی (موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و دوم، ۱۳۹۵) ص ۱؛ فرزانه فرحزاد، نخستین درس‌های ترجمه (مرکز نشر دانشگاهی، چاپ بیست و دوم، ۱۳۹۵) ص ۳.

۳- غلامرضا رشیدی، ترجمه و مترجم: آموزش اصول و قواعد اساسی ترجمه (انتشارات به‌نشر، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۴) ص ۵۷.

۴- از جمله دلایل این موضوع، وجود «اسم جنس» در زبان فارسی است. برای مطالعه بیشتر ببینید: محمدعلی حق‌شناس و دیگران، دستور زبان فارسی (نشر مدرسه، ۱۳۸۷) صص ۱۰۱-۱۰۰.

offer را باید بدین گونه ترجمه کرد: «قرارداد با قبول ایجاب منعقد می‌شود»^۱ و نه «یک قرارداد با قبول یک ایجاب منعقد می‌شود». برای رسیدن مترجم به همین نکته به ظاهر ساده (اما بسیار مهم)، ممکن است سال‌ها طول بکشد.^۲ همچنین باید توجه داشت که در برخی از موارد، حروف تعریف را باید به «هر» یا «نوعی» ترجمه کرد، برای مثال عبارت the parties are free to enter into a contract را باید چنین ترجمه کرد: «طرفین در انعقاد هر قراردادی آزادند» و همچنین عبارت leasing is a contract را باید به «واسپاری نوعی قرارداد است» برگرداند. هرچند لازم به ذکر است که ممکن است در موارد محدودی نیز، کاربرد کلمه «یک» ضروری باشد.

نکته دیگر، جایگاه افعال در زبان انگلیسی، در ابتدای جمله است (فاعل + فعل + مفعول) و در زبان فارسی، انتهای جمله (فاعل + مفعول + فعل)؛ به همین دلیل، ساختار جمله‌بندی زبان فارسی نیازمند فصاحت بیشتری نیز می‌باشد و نباید بین نهاد و فعل، فاصله زیادی باشد. در بسیاری از موارد دیده شده است، که عدم توجه به این تفاوت، منجر به چینش افعال متعدد در انتهای جمله و پشت سر هم می‌شود که از آن به تتابع افعال یاد می‌کنند و مخالف قواعد دستور زبان فارسی است. ترجمهٔ پیش رو، مثال خوبی در این باره است: «هر دولت متعاقد موافقتنامه کتبی را که به موجب آن طرف متعهد شده باشند که کلیه یا هر یک از اختلافاتی را که در خصوص یک رابطه حقوقی معین اعم از قراردادی یا غیر آن، بین آن‌ها واقع شده یا ممکن است واقع شوند و مربوط به موضوعی باشد که از طریق داوری قابل حل و فصل باشد، به داوری ارجاع نمایند، به رسمیت خواهد شناخت» (فعل پشت سر هم). راهکار پیش رو برای حل مشکل تتابع افعال، عبارت است از اینکه: (۱) فعل جمله پایه، حتی‌المقدور از پایان عبارت به پیش از «که» موصول منتقل شود؛ (۲) بعضی از فعل‌ها که زائد به نظر می‌رسد، از عبارت حذف شود یا به جای آن‌ها اسم (یا اسم مصدَر) آورده شود؛ (۳) عبارت

۱- با نگاه به ماده ۱۹۱ قانون مدنی، می‌توان بدین گونه نیز ترجمه کرد: «عقد محقق می‌شود به قبول ایجاب».

۲- کریم امامی، از پست و بلند ترجمه: هفت مقاله (انتشارات نیلوفر ۱۳۷۲) ص ۱۹۹: «من مدتی است برای فارسی‌تر کردن ترجمه، بعضی از این اسم‌های قابل شمارش انگلیسی را که یا به حالت مفرد با a, an یا به حالت جمع به کار برده می‌شود، به صورت مطلق به کار می‌برم. و فکرش را بکنید چند سال طول کشیده است تا به چنین نتیجه‌ای برسم!».

طولانی شکسته شود و به چند جمله مستقل کوتاه تقسیم شود.^۱ علاوه بر این موارد، می‌توان قسمت‌هایی از جمله را داخل پرانتز نیز گذاشت. بنابراین عبارت یاد شده را می‌توان بدین گونه ترجمه کرد: «هر یک از دولت‌های متعاقد، مکلف به شناسایی هر نوع قرارداد کتبی داوری است که به موجب آن، طرفین متعهد شده‌اند تا تمام یا بعضی از اختلافات موجود یا آتی خود در مورد هر نوع رابطه حقوقی معین قراردادی یا غیرقراردادی را به داوری ارجاع دهند. شناسایی قرارداد داوری منوط به این است که موضوع اختلاف طرفین، قابلیت ارجاع به داوری را داشته باشد»

از جمله دلایلی که منجر به ایجاد تتابع افعال می‌شود، وجود جملات بلند است. کاربرد جملات بلند در زبان انگلیسی، بسیار رایج است. در علم حقوق نیز (به ویژه در مورد تعریف ماهیت‌های حقوقی) این کاربرد وسیع‌تر است. برای مثال عبارت طولانی ذیل، تعریف یک ماهیت حقوقی است:

'Close-out netting provision' means a contractual provision on the basis of which, upon the occurrence of an event predefined in the provision in relation to a party to the contract, the obligations owed by the parties to each other that are covered by the provision, whether or not they are at that time due and payable, are automatically or at the election of one of the parties reduced to or replaced by a single net obligation, whether by way of novation, termination or otherwise, representing the aggregate value of the combined obligations, which is thereupon due and payable by one party to the other.

ترجمه این پاراگراف و تبدیل آن به یک جمله بلند در زبان فارسی، غیربامحال است و در صورت انجام آن نیز، چنین ترجمه‌ای روان و قابل فهم نخواهد بود. باید از راهکارهای یاد شده استفاده کرد. ترجمه این بند، تمرین (و بلکه آزمون) خوبی است برای افرادی که می‌خواهند وارد حوزه ترجمه در علم حقوق بشوند.

نکته سوم: جملات فارسی میل به افعال کمتر دارد و هرچه افعال جمله بیشتر باشد، فهم آن

۱- ابوالحسن نجفی، غلط‌نویسیم: فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی (مرکز نشر دانشگاهی، چاپ بیست و یکم، ۱۳۹۵) صص ۹۹-۱۰۱. همچنین در خصوص نحوه شکستن جمله، ببینید: صلح‌جو، از گوشه و کنار ترجمه، ص ۹۲؛ رشیدی، ترجمه و مترجم، صص ۸۲-۷۸؛ سمیه دل‌زنده‌روی، «ترجمه جمله بلند»، فصلنامه مترجم، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۶، صص ۶۶-۵۵.

2- UNIDROIT Principles on the Operation of Close-Out Netting Provisions (2013), Article 2.

دشوارتر خواهد بود.^۱ بنابراین باید در نوشته‌های حقوقی، استفاده از افعال را به حداقل رساند تا جمله ساده و فهم آن تسهیل شود. به زبان ساده، در فارسی استفاده از فعل کمتر از یک سو و همچنین به کارگیری افعال ربطی (در برابر افعال گذرا و ناگذر)^۲ از سوی دیگر، در اولویت است. این ترجمه، مثال روشنی در این باره است: «نماینده اختیار دارد تا تمام اقداماتی را انجام دهد که با در نظر گرفتن اوضاع و احوال، برای نیل به مقاصدی که دادن اختیارات برای دستیابی به آن‌ها انجام شده است، ضروری هستند». با حذف افعال یا تبدیل آن‌ها به اسم مصدر، می‌توان ترجمه بسیار روان‌تری را ارائه داد: «نماینده اختیار انجام تمام اقدامات لازم را مطابق با اوضاع و احوال و به منظور دستیابی به اهدافی دارد که نیابت برای آن داده شده است».

نکته چهارم: در زبان انگلیسی و فارسی در مورد زمان‌های افعال، نشان از گستردگی زبان انگلیسی در برابر زبان فارسی دارد که به ویژه می‌توان به افعال زمان آینده اشاره کرد. همچنین باید توجه داشت که در بسیاری از موارد لزومی ندارد زمان‌های افعال متن مورد ترجمه عیناً به زبان مقصد برگردانده شود و همواره باید به ترکیب‌های اصطلاحی توجه کرد. به طور کلی، هرچند شاید نتوان در زمینه چگونگی سازگارسازی ساختمان نحوی، قاعده‌ای کلی ارائه داد اما می‌توان رهنمودهای زیر را در نظر گرفت: برگرداندن مو به موی زمان افعال متن مورد ترجمه به زبان مقصد، ضروری نیست و در صورتیکه در برگرداندن افعال تردیدی پیدا شود، باید بیشتر به همسانی معنایی توجه کرد تا همسانی دستوری.^۳ برای مثال، فعل موسوم به «آینده کامل» در انگلیسی معمولاً معادل ماضی بعید در فارسی است و در نتیجه، معادل عبارت *parties will have received such benefits* عبارت است از «طرفین چنین منافعی را دریافت کرده‌اند» و نه «طرفین چنین منافعی را دریافت خواهند کرد». همچنین حال استمراری افعال ایستا (stative verbs)، معادل ماضی بعید در فارسی است و گذشته استمراری افعال ایستا نیز معادل ماضی بعید در فارسی است. برای مثال معادل جمله

۱- در خصوص امکان تبدیل جملات مختلط (complex sentences) به جملات ساده، ببینید: بازارگادی،

فن ترجمه انگلیسی، صص ۶۳ به بعد.

۲- فعل ربطی، چندان معنایی ندارد؛ کارکرد اصلی آن، ایجاد ارتباط بین نهاد و دیگر بخش‌های جمله است و شمار آن بسیار کم است مانند بودن (و مشتقات آن)، شدن، گشتن، گردیدن. جمله دارای فعل ربطی را جمله اسنادی می‌نامند. ببینید: حق‌شناس، دستور زبان فارسی، ص ۷۰.

۳- فرحزاد، نخستین درس‌های ترجمه، صص ۳۳-۳۱.

the judge is (was) sleeping during the trial عبارت است از: «قاضی در طول جلسه دادرسی خوابیده است (خوابیده بود)».^۱

نکته پنجم: استفاده از جملات مجهول در زبان انگلیسی، بسیار رایج است و بیشتر نقش تأکیدی دارد. لیکن در زبان فارسی، در صورت وجود فاعل در جمله، استفاده از فعل مجهول صحیح نیست و باید این نوع فعل را در موردی به کار برد که نیاز به ذکر «عامل» (فاعل حقیقی) نباشد.^۲ بنابراین به جای عبارت «قرارداد توسط طرفین خاتمه داده شد» باید گفت «قرارداد را طرفین خاتمه دادند» تا بدین گونه با ذکر کلمه «قرارداد» در ابتدای جمله، نقش تأکیدی آن حفظ شود.^۳ همچنین در مواردی نیاز به حفظ نقش تأکیدی هم نیست و می توان جمله را به صورت ساده نوشت، مانند این دو جمله: «قرارداد باید تابع قانونی باشد که توسط طرفین انتخاب شده است» و «قرارداد تابع قانونی است که توسط طرفین انتخاب گردیده است»؛ هر دو عبارت مزبور را باید بدین شکل و بدون بیان تأکید ترجمه کرد: «قرارداد تابع قانون منتخب طرفین است».

نکته ششم: در زبان انگلیسی، استفاده از جملات اسمی (در برابر جملات فعلی) در متن های علمی (و به خصوص متن های حقوقی)، بیش از رایج نگارش و بلکه از الزامات است که از آن به «اسم سازی» (nominalization) یاد می شود.^۴ با این حال، در زبان فارسی، چنین قاعده ای وجود ندارد و کاربرد جمله فعلی بیشتر است. برای مثال عبارت ذیل، نتیجه اسمی سازی جمله داخل پرانتز است که لازم است در ترجمه فارسی، همان قالب جمله فعلی (یعنی جمله داخل پرانتز) به فارسی برگردانده شود:

There has been a drastic change of circumstances after the conclusion of the contract

۱- این مثال اشاره ای است به پرونده جنجالی زیر که به موجب آن، اگر قاضی در خلال جلسه دادرسی بخوابد، این اتفاق نقض اصول دادرسی محسوب نمی شود:

The People of the State of Illinois v. Nicholas T Sheley, 2017 Illinois Appellate Court (3rd dist) 140659.

۲- نجفی، غلط نویسیم، صص ۱۲۴-۱۲۵.

۳- آوردن فاعل در جمله مجهول نیز رایج است؛ اما هرگز نهاد جمله به شمار نمی رود؛ بلکه در درون یک گروه حرف اضافه ای، به جمله افزوده می شود. مانند «برنامه به دست متصدی حمل، پاره شد». ببینید: محمدعلی حق شناس و دیگران، *دستور زبان فارسی*، ص ۶۵.

۴- همچنین ببینید: الناز پاکار، «جمله اسمی یا جمله فعلی؟»، فصلنامه مترجم، بهار ۱۳۹۴، شماره ۵۶.